

در مقابل این نگاه، نگاه منفعلانه‌ی افرادی قرار داشت که تصور می‌کردند با حمله‌ی صدام، همه‌چیز تمام شده و نظام و کشور سقوط خواهد کرد. برای همین، چاره را در اتخاذ راهبردهای تخیلی چون "زمین می‌دهیم و زمان می‌خریم" می‌دیدند و نتیجه آن شد که در سال اول جنگ، دشمن تا خرمشهر هم به پیش آمد. نگاه منفعلانه و تهدیدمحور، صرفاً نقاط ضعف و آسیب‌پذیر را می‌بیند بدون آنکه به نقطه‌قوت‌ها و فرصت‌ها توجهی داشته باشد. اما افرادی چون تهرانی مقدم از دل همین محدودیت‌ها توانستند پایه‌های خودکفایی موشکی ایران را رقم بزنند.

رونق تولید

تابلوی سیاسی

انعکاس آخرین تحلیل‌ها و مواضع رسانه‌ها و جریانها

BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۷۶۰ / شنبه ۳۱ فروردین ماه ۱۳۹۸

یک «خفه شو» اصلاح‌طلبانه به بازیگر دون پایه

کیهان: حماقت و وقاحت یک بازیگر دون پایه سینما در منفی‌بافی علیه کمک نیروهای مردمی عراق به سیل‌زدگان، صدای روزنامه اعتماد را هم درآورد. این روزنامه اصلاح‌طلب با انتقاد از اراجیف «مهناز-الف» نوشت: برادران و خواهران و خویشان بسیار نزدیک ما، به همه اختلاف‌افکنی‌های خارجی و غربی‌ها و شرقی‌ها پشت کرده‌اند، دل‌شان از مصیبتی که بر سر اقوام ایرانی‌شان آمده سوخته و با هرچه داشته‌اند به یاری ما آمده‌اند. باید از این مهربانی اشک شوق ریخت، از این اتحاد و محبتی که بین مردم دوسوی مرز وجود دارد باید خوشحال شد و در پوست ننگنجید. عراقی‌ها مردم قدردانی هستند، شعار کاروان‌های کمک‌شان به ایران را دیده‌اید؟ می‌گویند: «شما در زمان حمله تروریست‌ها به کمک ما آمدید و ما الان باید به کمک شما بیاییم!» این را بگذارید پیش نامهربانی‌ها و نمک‌خوردن و نمکدان شکستن بعضی دیگر از ملت‌ها، که گاه با کمک ایران برسر پا ایستادند و بعد با دشمنان ایران همراه شدند و در کنفرانس‌های ضدایرانی شرکت و پیمان ضدایرانی امضاء کردند.

رسیدن کمک‌های عراقی‌های مهربان به ایران، سوژه بعضی «سلبریتی»های نه‌چندان خوش‌نام شده خانم مهناز افشار (که اظهارنظر در تمامی امور را بر خود فرض می‌دانند) در توییتری، رسیدن کمک‌های عراقی‌ها به ایران را از زبان هموطنی عرب‌زبان خجالت‌آور توصیف کرده‌اند. باید در پاسخ گفت اولاً کمک‌های عراقی، از سوی مردم و به‌طور خودجوش جمع‌آوری شده و آنها هرچه داشته و نداشته‌اند در کاروان گذاشته و فرستاده‌اند. از این حیث ارزشش هزار بار بیشتر از کمک‌های دولتی است. ثانیاً دریافت کمک از برادران هم‌کیش و نزدیک خجالت‌آور است ولی پذیرفتن کمک‌های اندک و صدقه‌سری فرانسوی‌ها و سویسی‌ها و آلمانی‌ها خجالت‌آور نیست؟ اگر صحبت از عزت‌نفس باشد، باید از پذیرفتن این کمک‌هایی که به شوخی شبیه هستند سر باز می‌زدیم. به فهرست کمک‌های اروپایی نگاه کنید تا موضوع روشن شود. ایران بزرگ را تا چه حد دست‌کم می‌گیرند؟ یا عمداً می‌خواهند تحقیرمان کنند؟ سلبریتی‌ها در مقابل غربی‌ها و اروپایی‌ها ذره‌ای عزت‌نفس ندارند. برای همین است که ترجیح می‌دهند فرزندشان به جای اینکه در ایران عزیز به دنیا بیایند، در «اروپا» متولد شود! یا دیگری حاضر است برای آنکه هزینه ماهیانه ده‌هزار دلار فرزندش در کانادا را تامین کند هر بلایی سر ملت ایران بیاید. البته صحبت‌ها و نوشته‌های آنها در شبکه‌ها را خیلی هم نباید جدی گرفت به هر روی بسیاری از

این افراد به علت مشغله زیاد کاری فرصت مطالعه و خودسازی و تحصیل نداشته‌اند و نظراتی که ارایه می‌دهند غالباً فاقد اعتبار است اما متاسفانه صدای آنها در شبکه‌های مجازی بلند است هرچند که در عرصه واقعی اجتماع وزنی ندارند.

فیلترینگ آمریکایی

وطن امروز: صفحات برخی مقامات و فرماندهان ارشد سپاه پاسداران در شبکه اجتماعی اینستاگرام از دسترس خارج شد. این اقدام اینستاگرام پس از آن صورت گرفت که دولت آمریکا اخیراً در اقدامی خصمانه نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های به اصطلاح تروریستی مورد نظر خود قرار داد. همچنین غیر از فرماندهان رسمی سپاه، اینستاگرام صفحات محمدباقر قالیباف، شهردار اسبق تهران و سیدعزت‌الله ضرغامی، رئیس اسبق سازمان صداوسیما را نیز از دسترس خارج کرد. نکته قابل توجه در این میان تصریح مقامات اینستاگرام بر تبعیت محض آنان از سیاست‌ها و اولویت‌های دولت آمریکاست. در این راستا سخنگوی شبکه اجتماعی اینستاگرام، بسته شدن حساب برخی فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را مربوط به اقدام خصمانه آمریکا علیه سپاه دانست. سخنگوی اینستاگرام در این باره به بی‌بی‌سی گفت: ما تحت محدودیت‌های قوانین تحریم‌های ایالات متحده عمل می‌کنیم. با مقامات دولتی مرتبط همکاری می‌کنیم تا اطمینان حاصل کنیم که تعهدات قانونی مان از جمله مربوط به تعیین سپاه [به عنوان سازمان تروریستی خارجی] را رعایت می‌کنیم.

تعهد و تبعیت محض شبکه‌های اجتماعی آمریکایی از سیاست‌های خصمانه دولت این کشور اما تنها واقعیت افشا شده در پی اقدام اخیر اینستاگرام نبود. این شبکه آمریکایی با مسدودسازی صفحات فرماندهان سپاه پاسداران و چهره‌های مخالف سیاست‌های آمریکا، عملاً شعار آزادی بیان غربی‌ها و غرب‌گرایان را نیز زیر سوال برد. در همین ۲-۳ روز اخیر نیز سیاست مسدودسازی اینستاگرام محدود به فرماندهان شاخص سپاه نبوده و برخی گزارش‌ها از انسداد ۵ هزار صفحه منتسب به فرماندهان و مسئولان کشورمان حکایت دارد. این شبکه آمریکایی به این میزان از قلع و قمع مخالفان آمریکا نیز اکتفا نکرده و حتی برخی پست‌هایی را که با مضمون انتقاد از سیاست اخیر آن در اینستاگرام منتشر شده بودند هم حذف کرد! پست انتقادی سیدیاسر جبرائیلی، کارشناس اقتصادی و سیاسی کشورمان که او طی آن خواستار محدودسازی پهنای باند اختصاص یافته به اینستاگرام در ایران شده بود از همین جمله است. جبرائیلی در بخشی از این پست نوشته بود: «اگر دولت و مجلس واقعا به دنبال تقویت سپاه هستند، باید راهبرد دشمن برای ایجاد دوقطبی در کشور را خنثی کنند. برای نمونه اگر اینستاگرام صفحات سپاه را می‌بندد، یعنی پایبند قوانین آمریکاست نه ایران. در این صورت نباید این شبکه اجازه فعالیت در کشور را داشته باشد». جبرائیلی پس از حذف شدن این پست در مطلب دیگری نوشت: «این جماعت همان‌ها هستند که می‌گویند جمهوری اسلامی باید اجازه دهد ضدانقلاب آزادانه در ایران فعالیت سیاسی کند. تک‌تک پست‌های اینستاگرام را با این دقت بررسی و حذف می‌کنند اما می‌گویند شورای نگهبان صلاحیت نامزدهای مجلس و ریاست جمهوری را بررسی نکند. نکته دوم اینکه وزیر ارتباطات دولت تدبیر، اقتدار و اعمال مقررات را از اینستاگرام بیاموزد. یک شبکه اجتماعی از حدود و مقررات خود نمی‌گذرد اما وزیر ما منفعلانه شعار می‌دهد که اگر دهانی را می‌بندید، یعنی از سخن می‌ترسید!»

اهداف و پیامدهای یک وتو

خراسان: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، قطعنامه کنگره این کشور مبنی بر توقف مشارکت آمریکا در جنگ یمن به رهبری عربستان سعودی را وتو کرد. این قطعنامه که از دولت آمریکا می‌خواهد حمایت‌هایش را از ائتلاف عربستان در جنگ با یمن متوقف کند. این قطعنامه نه فقط اقدامی در جهت پایان بخشیدن به جنگ در یمن بود؛ بلکه برای نخستین بار کنگره آمریکا را بر آن داشته بود که به یک عملیات نظامی ارتش آمریکا پایان دهد. با این حال، دونالد ترامپ با استفاده از اختیارات قانونی خود، این قطعنامه کنگره را وتو کرد. با وتوی قطعنامه کنگره درباره جنگ یمن، دونالد ترامپ در مقام ریاست جمهوری آمریکا به دو هدف جداگانه دست یافت:

۱ - درباره کنگره: از دید ترامپ، اعضای کنگره نباید در کار رئیس‌جمهوری و فرمانده کل نیروهای مسلح مبنی بر مشارکت در جنگ دخالت کنند و با اقداماتی، مانع ادامه مشارکت در عملیات نظامی شوند. در حالی که اعضای کنگره، حتی برخی از هم‌حزبی‌های ترامپ در مجالس نمایندگان و سنا تاکید دارند که قانون اساسی آمریکا، وظیفه اعلان جنگ یا اعلام پایان جنگ را برعهده کنگره گذاشته است و قانون‌گذاران مجاز هستند درباره توقف عملیات نظامی در فراسوی مرزها تصمیم بگیرند.

۲ - درباره عربستان: کاخ سفید نهایت تلاش خود را برای انصراف اعضای کنگره درباره جنگ یمن به کار گرفت و عاقبت دونالد ترامپ برای غلبه بر خشم اعضای کنگره از عربستان بر سر ماجرای قتل خاشقچی و جنگ یمن، برای دومین بار در طول دوره ریاست جمهوری از اختیار حق وتو استفاده کرد. اکنون با این تصمیم، کاخ سفید و شخص دونالد ترامپ از ادامه همکاری‌ها با عربستان اطمینان خاطر حاصل کرده‌اند. در عین حال، وتوی قطعنامه کنگره درباره توقف مشارکت آمریکا در جنگ یمن دو پیامد جداگانه نیز به همراه خواهد داشت:

۱ - پیامد داخلی: کنگره تا زمانی که بتواند رای لازم را برای غلبه بر مخالفت رئیس‌جمهوری کسب کند، از ایفای نقش بازدارنده در امور نظامی و مشارکت‌های آمریکا در عملیات نظامی محروم خواهد شد. دولت کنونی و دولت‌های بعدی آمریکا همچنان از اختیار ورود به جنگ و ادامه آن برخوردار خواهند شد.

۲ - پیامد خارجی: وتوی قطعنامه کنگره درباره جنگ یمن، عربستان را از حمایت‌های بی‌شائبه کاخ سفید، حتی با وجود پرونده‌هایی همچون قتل جمال خاشقچی روزنامه‌نگار روزنامه معتبر آمریکایی، واشنگتن پست و فجایع انسانی در یمن مطمئن می‌سازد. از این رو قابل انتظار خواهد بود، از این پس دولت عربستان، به ویژه شخص محمد بن سلمان، ولیعهد ماجراجوی این کشور با تکیه به پشتیبانی‌های کاخ سفید، به اقدامات مخاطره‌انگیز و تنش‌زا در منطقه غرب آسیا ادامه دهد و در ازای این "لطف" آمریکایی‌ها، بیش از پیش در خصومت با ایران و دوستی با اسرائیل بکوشد و در نهایت، بیش از پیش، دلارهای هنگفت نفتی خود را برای خریدهای کلان تسلیحاتی و سرمایه‌گذاری در آمریکا در اختیار این کشور قرار دهد.

پیش زمینه‌های ورود اصلاح‌طلبان به انتخابات

آرمان: روال کار انتخاباتی در کشورمان بدینگونه است که در ۳ یا ۴ ماه آخر استارت انتخاباتی جریان‌های سیاسی زده شده و سپس به تناسب شرایط موجود موضع‌گیری می‌شود. هرچند فضای کشور به دلیل مشکلاتی که در ارتباط با حوادث غیر مترقبه بود همچنان در فضای سیل است و مشکلاتی که برای مردم به وجود آورده، اما در شرایط کنونی اصلاح‌طلبان موقعیت حساس‌تری دارند. اصلاح‌طلبان قطعا با توجه به تجربه ۹۲،۹۴ و ۹۶ و در عین حال تجربه مجلس و شورای شهر احتمالا در فضاهایی چون افطاری‌ها و شب‌نشینی‌های ماه رمضان گفت‌وگوهای انتخاباتی خود را آغاز خواهند کرد. البته نباید این نکته نیز مغفول بماند که اصلاح‌طلبان باید ارزیابی دقیق‌تری نسبت به شرایط کنونی کشور، نوع آرایش جناح‌ها، پیش‌بینی از آینده در ارتباط با اقبال مردم، مسائل مربوط به نظارت‌ها و ارزیابی مشخصی از عملکرد چند سال اخیر داشته باشند. طبیعتا در آن شرایط اصلاح‌طلبان می‌توانند مشخص کنند که با چه شاخصه‌هایی به فعالیت می‌پردازند و با توجه به کاهش اقبال اجتماعی این جریان در جامعه نوع ورود و مواجه‌شان با مردم باید چگونه باشد. ضعف‌های خود و نقدهای مردم را پذیرفته و در عین حال بپذیرند که در نوع شعارها، انتخاب افراد و نحوه ائتلاف‌ها در بخشی از مسائل خوب عمل نکردند و بگویند که اکنون چگونه می‌خواهند جبران کنند. سیاست در ایران کاملا سیال است، فراز و نشیب دارد و عالم ممکنات است. طبیعتا مردم هم به رغم تمام مشکلاتشان نمی‌خواهند که شرایط مدیریت در کشور در تعلیق قرار بگیرد. لذا حتما اگر برخوردی فعال با مردم صورت گرفته، قوت‌ها و ضعف‌ها منصفانه مورد بررسی قرار گیرد، پیام‌های روشن و افق واضح‌تری از آینده نشان داده شود و در عین حال از برخوردهای خارج از اعتدال پرهیز گردد. طبیعتا وضعیت جامعه به گونه‌ای نیست که یک جریان بتواند به طور مستقل نقش حداکثری در اقبال مردم داشته باشد. اینجا بحث ائتلاف‌ها و نزدیک بودن به دیدگاه‌های جریان‌هایی که می‌توانند در کنار یکدیگر قرار بگیرند مطرح می‌شود اما به نظر می‌رسد که در این نوع ائتلاف‌ها باید بازبینی و دقت نظر صورت گیرد و تضمین‌هایی در نوع ائتلاف و چگونگی پایبندی به تعهدات طرفین داده شود. البته اکنون نمی‌توان ارزیابی روشنی از آینده داد چرا که مردم نیز طی چهل سال اخیر در ارتباط با جریان‌های سیاسی متفاوت عمل کرده‌اند. در دوره‌هایی به برخی جریان‌ها اقبال جدی نشان داده و در دوره‌هایی چنین نکرده‌اند. بنابراین اصلاح‌طلبان اگر بخواهند همچنان در عرصه سیاست حضور داشته باشند، باید حتما روش‌های خود را مورد نقد جدی قرار دهند و مطالبات مردم را پیگیری کنند.

